

اشغال بی سر و صدای افغانستان توسط ملیشه های پاکستانی

در جریان هفته رفته بود که گزارش مربوط به اشغال نظامی یکی از بخشهای جغرافیایی ولایت هلمند افغانستان بنام ولسوالی " دیشو" توسط ملیشه های پاکستانی و به اهتزاز درآوردن بیرق آن کشور طی مراسم خاص و در حضور افسران بلند پایه پاکستانی، نه از طریق رسانه های دولتی، بلکه از مجرای یک و دو رسانه غیردولتی پخش گردید و در فضای مجازی (صفحات فیس بُک) تکثیر شد.

مردم افغانستان که این گزارش غمناک را خواندند ویا دیدند و شنیدند، در عین حالیکه شدیداً دچار دلهره و نگرانی شدند، منتظر ماندند تا مقام های دولتی افغانستان که حتماً از این حادثه ننگین مطلع هستند، موضوع را اولاً به آگاهی ملت برسانند و سپس بروفق وظیفه و مسوولیتی که در قبال شهروندان کشور و حفظ و جب و جب خاک افغانستان دارند، فوراً و بدون اندکترین لیت و لعل، به دفاع نظامی پرداخته دشمن غدار، متجاوز و سوگند خورده مردم افغانستان را از اراضی اشغال شده برانند. علاوه، وظیفه اصلی و اولی دولت افغانستان، همانند سایر دولتهای جهان اینست تا در قبال چنین جسارتها و اشغالگریهای نظامی دشمنان خارجی، دستگاه دپلوماسی (وزارت امور خارجه) را فعالانه بکار انداخته در عین حالیکه باید به جانب دشمن متجاوز التیماتوم قوی صادر نماید، اصولاً بایستی موضوع را بدون اندکترین تعلل به شورای امنیت سازمان ملل و از آن طریق به گوش کشورهای جهان برساند.

اما با دریغ دیده شد (و هنوز هم دیده میشود) که رهبران ازجان بیخبر و یا رهبران عاری از غیرت و بیگانه از لیاقت به اصطلاح وحدت ملی چنان در بوته ندانم کاریها فرو رفته اند که تا همین امروز اندکترین صدایی، اعتراضی و اقدامی از سوی آنها در این زمینه فوق العاده مهم ملی سراغ نگردید. حتا حامد کرزی رییس جمهور پیشین که روزی با طمطراق تهوع آور گفته بود " ما شیر هستیم، شیر " (!؟) ، دیده شد که درقبال اشغالگری نظامی پاکستانیها حرفی بر زبان نیاورد و صدایی بیرون نداد، درحالیکه وقتی موضوع گروه تروریستی طالبان مطرح میشود، همیشه پایش را پیش میگذارد و با " برادر " خواندن آنها و نصیحت های پدران و دلسوزانه، اظهاراتی به سود آنان بعمل می آورد. یعنی عملاً دیده میشود که در راه دفاع از وطن، " شیر "، زبوانه موش میگردد و درحریم دیوان ودفترش درمحوطه ارگ جمهوری چنان میخزد که تو گویی او مرده است. این تنها نبود. چند هفته قبل از آن نیز گزارش مصور دیگری در فضای مجازی به نشر رسید که نشان میداد ملیشه های مسلح طالبی، درفش سیاه و سرخ و سبز با نشان محراب و منبر افغانستان را از فراز یکی از پُسته های امنیتی درجنوب شرق افغانستان فرو می ریزند و بیرق سفید و سبز و مهتاب دارپاکستانی را با هلهله نوع طالبی بر می افرازند که با دریغ فراوان در این مورد مهم نیز صدایی و اعتراضی ازجانب دولت دو سره " وحدت ملی " بلند نشد که نشد.

همین بی صدایی ها، ندانم کاریها، خیانت ها و توطئه ریزی ها بود که نظامیان غدار پاکستانی و مزدوران فروخته شده آنها (گروه طالبان) و همچنان ستون پنجم دردرون مکانیسم دولت افغانستان، بیشتر ازپیش تشجیع شده خاینانه تر از قبل، دست به اشغال نظامی بخشهایی ازخاک پاک میهن مان زدند و هرگاه وضع بر همین منوال ادامه یابد، مردم ما باید منتظر فجایع عظیم تر و گسترده تر دیگر باشند.

من سالها قبل، یعنی آنگاه که شعار " پختونخواه " طلبی (ایجاد ایالت پشتونها شامل هردو سوی خط دیورند و ادغام پشتونهای افغانستان و پاکستان) درخاک پاکستان بلند شد و ظاهراً شبنامه هایی نیز درشهرهای پندی و پشاورپخش گردید، طی نگارش مقاله یی که درآنزمان دریکی از

شماره های هفته نامه " امید " چاپ ایالات متحده امریکا به نشر رسید، با صراحت کامل گفتم که این شعار فریبکارانه نیز از زرادخانه (آی.اس.آی) پاکستان بیرون جهیده که به جز ایجاد بسترفکری و مساعد سازی زمینه های اشغال مناطق جنوب شرق افغانستان در آینده، هدف دیگری در آن نهفته نخواهد بود.

مرور زمان توأم با مهندسی وقایع داخل کشور، اعمال سیاستهای مغرضانه، زنده سازی طالبان مرده، نگهداری رهبران حزب اسلامی در اشکال و شمایل مخفی و علنی، تقویت قدم به قدم گروه های مسلح تروریستی، عقب گشت عاجل نیرو های امریکایی و " جامعه جهانی "، ترویج عمدی فساد تا عمق استخوان ارگانهای دولتی، تلاشها و فعالیت های آشکار و پنهان طالب دوستانه داخلی و خارجی، عدم تقویت و بازسازی نیروی هوایی افغانستان، تداوم نا امنی و بازیهای شیطنت آمیز دیگر پاکستانی ها و حامیان افغانی و بین المللی آنها، همه و همه دال بر وجود همین هدف نا پاک استعمارگرانه است. تئوریزه کردن افکار و اندیشه های متعصبانه قومی و زبانی و گسترش روز تا روز آن در ابعاد مختلف نهاد های فکری و اجتماعی کشور نیز دقیقاً بر محور همین هدف شیطنانی می چرخد.

حال، دیده شود رهبران دولت دوسره افغانستان در قبال این فعل و انفعال خطرناک، اشغالگرانه و تجزیه طلبانه دشمنان این ملک پامال شده و این ملت غمناک چه خواهند کرد؟ و همچنان انتظار داریم ببینیم افراد و گروه های حزبی - سیاسی آزاده و وطنپرست و رسانه های مسوول و متعهد در این زمینه چه خواهند گفت و چه خواهند نوشت؟! (پایان)